

پیش‌خوان

حساسیت روحانیت، بر صیانت از سرمایه عمومی در آینه یک پژوهش جدید نگاهبانی از داشته‌های ایرانیان

■ **محمدرضا کاتینی**



اثری که هم اینک در باب آن سخن می‌رود تلاش مجدانه علما و راستای حفظ سرمایه‌های اقتصادی ایران را مطرح‌نظر قرار داده‌است. این

پژوهش توسط مهدی ابوطالبی به رشته تحریر درآمده و مرکز پژوهش‌های جوان، به نشر آن همت ورزیده‌است. ناشر در دیباچه خویش بر این اثر، در باب اهمیت موضوع آن چنین آورده‌است: «تاکون به دلایلی، به فعالیت عالمان شیعه در عرصه‌های اجتماعی و به ویژه اقتصادی کمتر توجه شده‌است و اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. اما در دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب در تاریخ معاصر ایران، مدارک درخور توجهی وجود دارد که از نقش مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم حکایت می‌کند. عالمان شیعه برخوردار از منزلت اجتماعی بالا در جامعه ایران بر اساس مبانی و اصول دینی خاص و با تکیه بر سرمایه اجتماعی عظیم توده مردم، از سرمایه‌های ملی ایران حفاظت کرده‌اند. توجه آنان به کارکردهای مثبت و منفی مصرف کالاهای داخلی و خارجی، عاملی تأثیرگذار بر تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، مانعت از خروج نیروی کار ایران و مانند آن بوده‌است. آنان با مقابله با فراردهای استعماری مثل روتیر، رزی، ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله و فراردادنفت ایران و انگلیس، مانع تاراج و از بین رفتن منابع زیرزمینی و روزمینی از جانب بیگانگان شدند. کتاب حاضر، برخلاف برخی تصورات غرب‌پرگار، گوشه‌هایی از اقدامات نگاهبانانه عالمان شیعه در جلوگیری از حضور و استیلای استعمارگران و حفاظت از منابع



آیت‌الله‌عظمی میرزا حسن شیرازی صاحب‌نویس تفسیر لسان‌الغیب

و سرمایه‌های ملی ایران را حکایت می‌کند…».

مؤلف اثر نیز در مقدمه‌ای بر کتاب خویش، درباره محتوای آن و نوع نگاه خود در این باره، به اشاراتی از قبیل ذیل دست زده‌است: «علمای شیعه همواره بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده دارند و از آن هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات مختلفی انجام داده‌اند. ذهنیت عمومی جامعه ما به ویژه نسل جوان این است که وظیفه و اقدامات علمی علمای بیشتر در مباحث خاص دینی- مثل برپایی مراسم دینی، وعظ و خطابه و امام جماعت بودن و پاسخگویی به سوالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم- بوده‌است، بنابراین به فعالیت‌های علمی شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی، کم‌توجهی شده‌است. امروز نسل جوان با اقدامات شیعه در مقابله با این تهاجم مواجه می‌شود. عقیقتی و… را سراغ دارند، اما اگر از نقش علمی شیعه در حفظ اقتصاد ملی با هویت ملی یا منافع ملی کشور سخن بگویم، قطعاً اطلاعات کمتری در این‌زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به این کشور است، همواره شاهد حضور زبیر کانه و مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ایم. یکی از اقدامات علمای شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته‌است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد.».



نظری بر چند و چون شکست یک سیاست تقلیدی

پایان قزاق، از سکه افتادن تجددبه

مددچماق!

■ **احمدرضا صدری**

در باب چگونگی اجرای مدرنیزاسیون ظاهر گویاانه رضاخانی، تاکنون فراوان سخن رفته‌است. اما بی‌فرجامی آن مهجور می‌نماید. در واقع مواجعه علما و مردم با سیاست‌هایی چون تغییر لباس و کشف حجاب، از همان آغازین روزهای اجرای آن کشف‌خورد و آثار عینی آن پس از سقوط قزاق تبلور یافت. مقال پی آمده بر آن است که به مدد پاره‌ای از روایات و تحلیل‌ها این بخش از ماجرا را بازنمایاند. مستندات این نوشتار بر سر تارنمای پژوهش‌کده مطالعات تاریخ معاصر ایران قرار دارد. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید. ■■■

■ بر سر شاخه حکومت نشستن وین بریدن! بازخوانی فرجام سیاست‌های روینایی رضاخان، از قبیل تغییرلباس و کشف حجاب، نیازمند مروری بر زمینه‌ها و چند و چون اجرای آنهاست. به عبارت دیگر، نخست باید در یافت که این اقدامات، در چه بستری صورت گرفت و نهایتاً به چه نتیجه‌ای رسید. سیدهاشم منبری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره معتقد است:

«یکی از اعمالی که حکومت رضاخان به آن دست یازید، قانون یکسان‌سازی پوشاک برای مردان و زنان و کشف حجاب بود که به ترتیب در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۴، آن را عملیاتی نمود و نسبت به قانون‌شکنان، شیوه سختگیرانه‌ای در پیش گرفت. سؤال اصلی مقاله پیش‌رو این است که این نوع قوانین، چه تأثیری بر شرایط درونی حکومت و نیز عرصه بیرونی آن بر جای گذاشت. به نظر می‌رسد قوانین سکولاریستی حکومت پهلوی، باعث دو دستگی و نیز جدایی دولت از ملت شد و اینکه حکومت نتواند از ذخیره‌های ملی خود برای مقاومت و پایداری مقابل متفقین و اشغالگران خارجی به‌سززمین ایران استفاده کند و سرآخر فروپاشد. با روی کار آمدن رضاشاه وضعیت طبیعی سیاست‌های شبه‌مدرنیستی در منطقه که افغانستان و ترکیه نمونه‌های بارز آن بودند، پروژه غربی شدن با قوانین و مصوبه‌های دولت، در جهت به تضعیف کشاندن قدرت دینی، اجتماعی و سیاسی تغیر سنت‌ها، ارزش‌ها و آداب کهن، سمت و سو پیدا کند و ظواهر نمادین و روینایی جامعه دگرگون شود. رضاشاه فکر می‌کرد با تغییر ظاهر و تغییر در پوشش کهن و ظواهر نمادین و روینایی جامعه دگرگون شد. رضاشاه فکر می‌کرد با تغییر ظاهر و تغییر در پوشش می‌تواند جایگاه و وضعیت مردان و زنان را تغییر دهد و با مذهب‌زدایی، مؤلفه‌های سکولاریسم (عرفی‌سازی) را به نظام آموزشی و سنت‌های فرهنگی تزریق نماید. این

کمتر است که چون اسلام دینی جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به این کشور است، همواره شاهد حضور زبیر کانه و مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ایم. یکی از اقدامات علمای شیعه در مواجهه با این تهاجمات، دفاع و حمایت از سرمایه‌های ملی ایران است که آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی داشته‌است. در این کتاب به نمونه‌هایی از اقدامات این بزرگواران در حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی کشور اشاره خواهیم کرد.».

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



چند نفر از زنان محجبه خانواده دفتری قبل از رویداد کشف حجاب

تغییر لباس و کشف حجاب، **نخست در ساحت نظریه‌پردازی و فرهنگ‌سازی خودنمایی کرد.** از این رو واکنش‌های اولیه نسبت **بدان نیز در همین عرصه بروز کرد.** **حجم فراوان «رساله‌های حجابیه» که پس از بستر‌سازی روشنفکران برای مدرنیزاسیون فرمایش شده به رشته تحریر درآمد، شاهدی بر این مدعاست.** **به واقع اینگونه روشنگری‌ها، علاوه بر اعتقاد دیرین مردم و به ویژه زنان مسلمان به حجاب اسلامی، زمینه‌های ناکامی نهایی رضاخان در این پروژه را مهیاساخت**

کتاب‌هایی برای مقابله علمی و فرهنگی بااین پدیده بیفتند و آثار شایان توجهی پدید آوردند. این آثار با نام‌ها و حجم‌های گوناگون به زبان‌های فارسی و به‌ندرت عربی منتشر می‌شد. حجت‌الاسلام رسول جعفریان مجموعه این نوشته‌ها را با عنوان: رسائل حجابیه، شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، گردآوری کرده و با توضیحات کامل درباره مؤلفان و مضمون رسائل منتشر ساخته‌است. این اثر دو جلدی که نخستین‌بار در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید، مستندات دست‌اولی از فضای فکری و فرهنگی اوایل سلطنت رضاشاه تا دهه ۱۳۳۰ش، تلاش برخی روشنفکران و فعالان مطبوعاتی غرب‌پرگار برای جان‌انداختن ایده کشف حجاب و در نهایت مجاهدت برخی نویسندگان متدین و دغدغه‌مند در قبال این پدیده را ارائه می‌دهد. رساله‌های مندرج در این اثر، ۳۲ عنوان است که در کنار مقدمه ۲۸ صفحه‌ای مؤلف و شش پیوست، در ۱۴۵۰ صفحه به چاپ رسیده‌است. جعفریان در آغاز هر رساله، معرفی کوتاه اما گویایی از نویسنده اثر و همچنین محورهای مولد تأکید رساله ارائه کرده‌است. از بعد زمانی، نخست رساله‌ای که در این مجموعه به چاپ رسیده، رساله وجوب حجاب نوشته محمدصادق ارومی، ملقب به فخرالاسلام است که در سال ۱۲۹۰ نگاشته شده و آخرین آنها نیز کتاب معروف شهید ایتلله مرتضی مطهری، یعنی فلسفه حجاب است که در سال ۱۳۴۸ش منتشر شده‌است. وود اتحاد چشمگیری که پیش از قانون کشف حجاب و حتی قبل از روی کار آمدن رضاشاه پهلوی نوشته شده‌است، نشان می‌دهد تبلیغات و زمینه‌سازی گسترده برای کشف حجاب، محدود به این دو مقطع زمانی نبود، بلکه مشگله‌ای بود که پیامدهای مضر رضاحت اجتماعی و در نهایت سیاسی بر جای گذاشت که آنها را می‌توان در دو وجه داخلی و خارجی آن بررسی کرد. این جدایی که در اثر دستورالعمل‌های شبه‌مدرنیستی رضاشاه و نیروی اجبار شهربانی و قوای نظامی، در درون جامعه بین دو طبقه اشراف و سنتی رخ داد، باعث شد حکومت حمایت داخلی خود را از دست دهد…».

■ **پوش نگارش رساله‌های حجابیه در برابر قزاق!**

تغییر لباس و کشف حجاب، نخست در ساحت نظریه‌پردازی و فرهنگ‌سازی خودنمایی کرد. از این روی واکنش‌های اولیه و البته گسترده نسبت بدان نیز در همین عرصه بروز کرد. حجم فراوان «رساله‌های حجابیه» که پس از بستر‌سازی روشنفکران برای مدرنیزاسیون فرمایش شده به رشته تحریر درآمد، شاهدی بر این مدعاست. به واقع اینگونه روشنگری‌ها علاوه بر اعتقاد دیرین مردم و به ویژه زنان مسلمان به حجاب اسلامی، زمینه‌های ناکامی نهایی رضاخان در این پروژه را مهیا ساخت. سیدمرتضی حسینی، «واکنش روحانیان و نویسندگان متدین نسبت به ایده و عمل کشف حجاب را می‌توان در دو محور کلی خلاصه داشت: اول، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که با اعلان رساله و پوشاک برای مردان و زنان، موج اعتراض‌ها از طرف اشرافان و روحانیان بالا گرفت که نقطه اوج آن را در حادثه مسجد گوهرشاد مشاهده می‌توان نمود. در این مرحله، به دلیل اثرگذار شدید مردم نسبت به حمله‌شاه به دین و کشف حجاب، قیام بزرگی شکل گرفت که بهلول میان‌دار آن بود. با دستور رضاشاه‌مبنی بر ورود نیزه‌های مسلح به صحن حرم برای برانکته کردن مردم، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر به شهادت رسیدند!

مقابله تند و خشن رضاشاه با مخالفان دینی اقداماتش، دو دستگی‌هایی را حتی درون هیئت حاکمه به‌وجود آورد. از آنجا که اسدی در زمان حادثه، نیابت تولیت آستان قدس را بر عهده داشت و نتوانست به بحران را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کند، مورد سوء ظن شاه قرار گرفت و محاکمه و اعدام شد! در نظر بگیریم که پا درمیانی فروعی نیز که با اسدی قوم و خویش بود، نتوانست به نجات او بینجامد. بنابراین اجرای سیاست نوسازی آن‌هم به شکل آمرانه، اجرای قوانین ضداسلام و مخالف و مناسک و شعائر اسلامی و تبعید و سرکوب روحانیان و حتی عزل و نصب طرفداران خود حکومت، ملت و حکومت را روبروی هم قرار داد و تارو بود آن را از هم گسست. تغییر لباس و کشف حجاب یک مسئله نبود، بلکه مشکله‌ای بود که پیامدهای مضر رضاحت اجتماعی و در نهایت سیاسی بر جای گذاشت که آنها را می‌توان در دو وجه داخلی و خارجی آن بررسی کرد. این جدایی که در اثر دستورالعمل‌های شبه‌مدرنیستی رضاشاه و نیروی اجبار شهربانی و قوای نظامی، در درون جامعه بین دو طبقه اشراف و سنتی رخ داد، باعث شد حکومت حمایت داخلی خود را از دست دهد…».

■ پوش نگارش رساله‌های حجابیه در برابر قزاق! تغییر لباس و کشف حجاب، نخست در ساحت نظریه‌پردازی و فرهنگ‌سازی خودنمایی کرد. از این روی واکنش‌های اولیه و البته گسترده نسبت بدان نیز در همین عرصه بروز کرد. حجم فراوان «رساله‌های حجابیه» که پس از بستر‌سازی روشنفکران برای مدرنیزاسیون فرمایش شده به رشته تحریر درآمد، شاهدی بر این مدعاست. به واقع اینگونه روشنگری‌ها علاوه بر اعتقاد دیرین مردم و به ویژه زنان مسلمان به حجاب اسلامی، زمینه‌های ناکامی نهایی رضاخان در این پروژه را مهیا ساخت. سیدمرتضی حسینی، «واکنش روحانیان و نویسندگان متدین نسبت به ایده و عمل کشف حجاب را می‌توان در دو محور کلی خلاصه داشت: اول، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که با اعلان رساله و پوشاک برای مردان و زنان، موج اعتراض‌ها از طرف اشرافان و روحانیان بالا گرفت که نقطه اوج آن را در حادثه مسجد گوهرشاد مشاهده می‌توان نمود. در این مرحله، به دلیل اثرگذار شدید مردم نسبت به حمله‌شاه به دین و کشف حجاب، قیام بزرگی شکل گرفت که بهلول میان‌دار آن بود. با دستور رضاشاه‌مبنی بر ورود نیزه‌های مسلح به صحن حرم برای برانکته کردن مردم، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر به شهادت رسیدند!

مقابله تند و خشن رضاشاه با مخالفان دینی اقداماتش، دو دستگی‌هایی را حتی درون هیئت حاکمه به‌وجود آورد. از آنجا که اسدی در زمان حادثه، نیابت تولیت آستان قدس را بر عهده داشت و نتوانست به بحران را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کند، مورد سوء ظن شاه قرار گرفت و محاکمه و اعدام شد! در نظر بگیریم که پا درمیانی فروعی نیز که با اسدی قوم و خویش بود، نتوانست به نجات او بینجامد. بنابراین اجرای سیاست نوسازی آن‌هم به شکل آمرانه، اجرای قوانین ضداسلام و مخالف و مناسک و شعائر اسلامی و تبعید و سرکوب روحانیان و حتی عزل و نصب طرفداران خود حکومت، ملت و حکومت را روبروی هم قرار داد و تارو بود آن را از هم گسست. تغییر لباس و کشف حجاب یک مسئله نبود، بلکه مشکله‌ای بود که پیامدهای مضر رضاحت اجتماعی و در نهایت سیاسی بر جای گذاشت که آنها را می‌توان در دو وجه داخلی و خارجی آن بررسی کرد. این جدایی که در اثر دستورالعمل‌های شبه‌مدرنیستی رضاشاه و نیروی اجبار شهربانی و قوای نظامی، در درون جامعه بین دو طبقه اشراف و سنتی رخ داد، باعث شد حکومت حمایت داخلی خود را از دست دهد…».

■ **عقب‌نشینی از قانونی که از اعتبار افتاده**

بود!

همانگونه که اشارت رفت، بسترهای منسوخ شدن کشف حجاب، پیش از خلع و اخراج رضاخان از کشور پدید آمد. به واقع جامعه ایرانی منتظر عملی بود که از سایه استبداد بر سر آنان بکاهد و منویات و مکتوبات آنان را علنی سازد. فضایی که با وقایع شهریور ۱۳۲۰ فراهم آمد، رضاحسدی، پژوهشگر تاریخ معاصر معاصر ایران ماجرا را به ترتیب ذیل روایت کرده‌است:

«متفقین در ۳ شهریور ۱۳۲۰، بسه ایران حمله کردند و تنها با مقاومت اندک از تشی مواجه شدند که رضاشاه آن‌همه توجه و پول صرف آن کرده بود. قوای بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی، در مرکز ایران به هم رسیدند و در ۲۶ شهریور ۱۳۲۰، وارد تهران شدند. محمدرضا پهلوی به جای پدر بر تخت سلطنت نشست. پس از این رویداد، بیشتر ایرانیان از کنار رفتن رضاشاه استقبال کردند. پس از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و فراهم شدن آزادی‌هایی در عرصه سیاسی و فرهنگی کشور، سیاست‌گذاران وقت در اعمال سرسختانه قانون لباس متحدالشکل (۱۳۰۷)،

عقب‌نشینی کردند. این عقب‌نشینی معلول نارضایتی افراد جامعه و پایبند نبودن آنها به قانونی بود که به سنت ریشه‌دار آنان هجوم آورده بود. در گزارش‌های متعددی که به حکومت در خصوص لباس متحدالشکل و قانون کشف حجاب داده می‌شدد، زم‌زمه‌های شکست پروژه تغییر در حوزه پوشاک جامعه ایرانی به گوش می‌رسید. گزارشی به تاریخ اول بهمن ۱۳۲۲، به‌صراحت از عقب‌نشینی اجباری دولت در قبال مقاومت‌های جامعه و مخالفت با قانون لباس متحدالشکل برده برمی‌دارد. در این گزارش آمده‌است: تا شهریور ۱۳۲۰ و با توجه به سختگیری‌های دولت، اجرای قانون کشف حجاب رعایت می‌شد و متخلفان هم به دادگاه صالحه احاله می‌شدند، اما بعد از سقوط رضاشاه و در روزهایی که محمدرضا پهلوی در تخت سلطنت نشست، جامعه ایرانی، مقررات قانون یادشده را رعایت نمی‌کند. در ادامه گزارش آمده‌است: اگر این روش ادامه پیدا کند، تمامی قوانین مربوط به لباس متحدالشکل و کشف حجاب، رنگ خواهد باخت! خود دولتیان علت

این امر را اعتراض سایرین و جرایم می‌دانستند. این عقابله با این شرایط نیز پیشنهاد می‌کردند که باید برای اجرای این قانون، سختگیری لازم اعمال شود و حتی در رادوی برای محسنات این کار، لاقابل هوقضای یکمتر تبه صحبت‌هایی شود. در این گزارش وضعیت مشاهده می‌شود که بعد از سقوط رضاشاه، متأثر از فضای باز سیاسی و بر پی آن فشار افکار عمومی و روشنگری‌های گسترده، دولت بهناچار از اعمال سختگیری بر اجرای قانون لباس متحدالشکل و کشف حجاب، عقب‌نشینی کرده‌است. پیش از سقوط رضاشاه علما دنیاها رساله و کتاب در فواید حجاب و لزوم آن نوشته بودند و با سقوط او نیز این اقدام ادامه پیدا کرد و فعالیت‌های گسترده علما در قالب رساله و کتش آغاز شد. آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین قمی که پیش از سقوط رضاشاه و به دلیل روشنگری و مبارزه با کشف حجاب در تبعید بود، در سال ۱۳۲۲ به ایران آمد و با استقبال پرشور مردم روبه‌رو شد. در همین سال بود که نامه‌ای به علی سهیلی نخست‌وزیر وقت، درباره حجاب نوشت و درخواست کرد قانون اجباری بودن کشف حجاب لغو شود. آیت‌الله پره‌ور جردی هم تلگراف‌هایی به مرکز ارسال و از درخواست‌های وی حمایت کرد. دولت در یکی از جلسات خود، این درخواست و برخی درخواست‌های دیگر ایشان را تصویب کرد. تغییر نفوذ میان سیاستمداران ایران، به دلیل نفوذ روحانیت در جامعه و گزارش‌های متعددی بود که از نافرمانی مدنی جامعه در برابر قانون کشف حجاب خبر می‌داد. در آن برهه زمانی، آیت‌الله روح‌رزدی به دلیل نفوذ میان سیاستمداران ایران، به دلیل نفوذ روحانیت در جامعه و گزارش‌های متغردی بود که حاصل تلاش‌ها و روشنگری‌های علما و افرادی بود که به‌نوعی به کار دینی و فرهنگی مشغول بودند. در آغاز رهایی از قید استبداد، شماری از عاملان و متدینان شورحانی در ارتباط با امرحجابی با بدون آن، راجع به حجاب زنان از برای آن میسان بردن فضایی غیر مذهبی حاکم بر جامعه آغاز کردند. اینان اندکی بعد، وارد عرصه سیاست شدند و تلاش کردند در سیاست‌کشی کلوی نیز مؤثر باشند. این فعالیت‌های در قالب‌های مختلف سیاسی و بر اساس نوعی بازنگری فکری در مسائل مذهبی و ارتباط آنها با سیاست انجام‌شد. روشنگری درباره لزوم حجاب و تحکیم جایگاه آن در جامعه بعد لغو قانون کشف حجاب نیز ادامه یافت. روشنگری‌ها از این هراس جامعه ایران و پیشگامان مذهبی ناشی می‌شد که محمدرضا پهلوی پس از استتبحاکم قدرت، در مسیر پدر و مخالفت با جریان مذهبی و سنتی جامعه ایران گام بردارد. حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عباسعلی اسلامی در سال ۱۳۲۴، در نامه‌ای سرگشاده به مجلس شورای ملی، حجاب را یکی از حقوق مشروع ملت دانست و از مجلس خواست از افعال، رفتار و گفتارهایی که مخالف قوانین اسلام است جلوگیری کند، همچنین کسانی را که برخلاف قوانین مذهبی چیزی می‌گویند یا می‌نویسند، جدا تعقیب و قانون حجاب را به حکم قران و شرع و اجماع علمای اسلامی، اجرا کنند…».



رضاخان در حال سخن گفتن با یکی از زنان محجبه